



پرافتخارترین ورزشکار ایران در بازی های آسیایی

حدادی: شاید به المپیک پاریس رفتیم

گفت و گو

مهری رنجبر
روزنامه نگار

همانی شد که خودم می خواستم. خداحافظی باشکوه با بازی های آسیایی. در حالی که هیچ کس فکرش را نمی کرد، اما مثل همیشه صحنه گردان میدان خودش بود. حتی او با پرتاب ۶۱ متر و ۸۲ سانتیمتری اش، خط و نشان را برای رقبا کشید، رکوردی که بقیه رقبا ماستها را کیسه کردند و راه برای خودنمایی حسین رسولی باز شد. حرف از احسان حدادی، رکورددار پرتاب دیسک است. هرچند او برنامه اش را برای ثبت رکوردی جدید آماده کرده بود، اما کمر دردش اجازه نداد و با نقره اش پرافتخارترین ایرانی در بازی های آسیایی شد. بالاخره بعد از مدت ها، اتفاق خوب در بازی های آسیایی رقم خورد. خودت مطمئن بودی مدال می گیری؟

برای من پرونده بازی های آسیایی با مدال نقره بسته شد. خدا را شکر که به مدال رسیدیم. هدف هم فقط مدال بود چرا که مدال طلا، آن هم در این سن یکسری امکانات دیگری می طلبد که متأسفانه نبود، وقتی جوان هستی با آن شور و شوق جوانی و امکانات کم هم می توانی آماده شوی و اتفاقات خوب را رقم بزنی، ولی وقتی سن بالاتر می رود، شرایط و امکانات دیگری لازم است تا زمینه برای رسیدن به هدف فراهم شود.

تو واقعاً چندین ماه سخت قبل از بازی ها خودت را در اتاق زیر پله آفتاب انقلاب حبس کردی تا مدال بگیری.

من ۳ ماه قبل را در آفتاب انقلاب بودم و آنجا دور از هر هیاهویی فقط تمرین می کردم چرا که من دانشم برای نتیجه باید سختی بکنی. البته من از سال قبل تمریناتم را در مشهد، تهران و کیش شروع کرده بودم. نمی دانم چرا از نوروز دیگر تمرین منظم نداشتم ولی اواسط تابستان دوباره جدی کار را شروع کردم و خدا را شکر خودم را رساندم. هرچند بدنم خیلی آماده تر بود و پرتاب های خیلی بهتری قبل از شروع مسابقه در چین داشتم و امیدوار بودم رکورد خارق العاده ای ثبت کنم، ولی درد کمرم اجازه نداد.

احسان حدادی هر وقت هر کاری خواست، انجام داد. با این مدال می خواستی جواب منتقدان را بدهی؟

خواست خدا بود؛ خدایی که در این ۲۰ سال به من لطف داشت. البته خودم هم تلاش می کردم و لطف خدا هم شامل حالم بود و نتایج خوبی گرفتم. این مدال اصلاً بابت جواب به منتقدان نبود، چرا که آنها همیشه برابرم انگیزه و روحیه بوده اند. من آدمی بودم که هر وقت به من می گفتند نمی توانی و نمی شود، کاری که می خواستم را انجام می دادم. حتی به خودم ثابت کردم، در هر سن و شرایطی اگر بخواهم می توانم و غیر ممکن را ممکن می کنم. درست است مدال هم در هانگژو طلا نشد، اما خوشحالم که رنگ مدال حسین رسولی طلا شد. برای من فرقی نداشت که او طلا می گرفت یا من. وقتی دیدم یک ایرانی بهتر پرتاب کرده، مسابقه را شل گرفتم تا اتفاق قشنگی بیفتد. من ۴ دوره مدال طلا گرفته بودم و خیلی انگیزه برای طلای دیگر نداشتم.

تو دوشنبه شب با پرتاب ۶۱ متر و ۸۲ سانتیمتری خط و نشان را برای رقیابت کشیدی و نشان دادی که احسان حدادی هنوز دست نیافتنی است؟

پرتاب ۶۱ متر و ۸۱ سانتیمتری خیلی پرتاب خوبی نبود، خیلی راضی نبودم. اما یک پرتاب دیگر کردم که گفتند خطا شده و هیچ جوهره هم نشان ندادند چه خطایی کردم و ما متوجه خطا نشدیم. شک نکنید رقبا با آن پرتاب افت خیلی شدیدی کردند و خدا را شکر رسولی هم با پرتاب خوب اول شد.

وقتی پرتابگران آسیا را در فنس جمع کردی و در حضورشان خداحافظی کردی، آنها به تو چه گفتند که احساساتی شده و گریه کردی؟ یعنی حرف های آنها گریه تو را در آورد؟

من به آنها گفتم که از این دایره بیرون می روم، این مسیر برای شما باز است و دوست ندارم رکورد آسیا ۶۹ متر و ۳۲ سانتیمتر بماند. دوست دارم این رکورد خیلی زود شکسته شود. با سعی و تلاش زیاد رکورد من را در آسیا جابه جا کنید. همه بچه ها احساسی شدند و دو، سه نفری هم بابت این اتفاق گریه کردند. صحنه خیلی قشنگی بود. همیشه خودم دوست داشتم آخر ورزش اتفاق قشنگی بیفتد. خداحافظی برابرم معنا نداشت و این

فکر می کنم ۲۲ سال کافی است. حالا تصمیم گرفتم ورزش حرفه ای نکنم ولی به معنای خداحافظی نیست؛ من در ورزش هستم و شاید ساعت بیشتری برای سلامتی ام صرف ورزش کنم.

ZOOM

قطعاً باز هم پرتاب می کنم. خیلی دوست دارم کنار دایره باشم. چه بسا اتفاق دیگری دوباره رقم بخورد. خدا را چه دیدی، هیچ کسی از فردایش خبر ندارد. بدون شک شما هم اگر روزی قلمت را بگریزند یا دیگر نتوانی بنویسی بغض گلویت را می گیرد و احساسی می شوی. من این سال ها با حسین آقا کار می کردم و خیلی کنارم بود. کلی خاطرات تلخ و شیرین با هم داشتیم، من با حسین آقا از همه آنها گفتم و خاطراتم را مرور کردم.

فقط پایان ورزشم بود. من از ورزش خداحافظی نمی کنم، اما این پایان ورزش حرفه ای من بود. حالا شاید اگر روزی باز در ورزش کشور نیاز باشد در مدیریت ورود می کنم. اگر خلایی باشد و اگر توان و جان داشته باشم برگردم و برای کشورم نقش سر باز را ایفا می کنم.

تو بعد از مراسم اهدای مدال سر روی شانه حسین توکلی گذاشته بودی و با گریه می گفتی دلت برای دوومیدانی تنگ می شود.

قطعاً دلم تنگ می شود، وقتی این همه سال از دل یک دایره پرتاب کنی، شک نکن به دایره و چرخش در آن و پرتاب عادت می کنی. وقتی یک دفعه برایت تمام شود، لحظات سختی است. البته من معتاد دایره و پرتاب هستم.

قطعاً باز هم پرتاب می کنم. خیلی دوست دارم کنار دایره باشم. چه بسا اتفاق دیگری دوباره رقم بخورد. خدا را چه دیدی، هیچ کسی از فردایش خبر ندارد. بدون شک شما هم اگر روزی قلمت را بگیرند یا دیگر نتوانی بنویسی بغض گلویت را می گیرد و احساسی می شوی. من این سال ها با حسین آقا کار می کردم و خیلی کنارم بود. کلی خاطرات تلخ و شیرین با هم داشتیم، من با حسین آقا از همه آنها گفتم و خاطراتم را مرور کردم.

گریه احسان حدادی را کمتر کسی دیده بود اتفاقاً گریه مرا خیلی ها دیدند، شبی که در المپیک ۲۰۰۸ پکن خیلی گریه کردم؛ وقتی به خاطر مصدومیت اوت شدم، یا در المپیک های مختلف، بازی های آسیایی، کسی نبودم که احساس ناراحتی ام را در خودم نگهدارم و احساسات تلخ و شیرین، خوب و بد را با همه تقسیم کنم. هرچه بوده، بد یا خوب، نمی دانم این کار خوب است یا بد؟ ولی کلاً شب غم انگیزی بود.

روزهای قبل از مسابقه وقتی به خداحافظی فکر می کردی، چه حسی پیدا می کردی. می دانستی کار سختی است؟

فکر می کنم ۲۲ سال کافی است. حالا تصمیم گرفتم ورزش حرفه ای نکنم ولی به معنای خداحافظی نیست؛ من در ورزش هستم و شاید ساعت بیشتری برای سلامتی ام صرف ورزش کنم. چرا که من عاشق ورزش هستم و از ۷ سالگی ورزش کرده ام و معتاد ورزشم و هیچ وقت نمی توانم آن را کنار بگذارم و کار دیگری به جز ورزش هم بلد نیستم. من از کار کردن ورزش را شروع کردم، وقتی در کارگاه پدرم کار

حاشیه و مدال، کلیدواژه های یک قهرمان دست نیافتنی

آرش عبدی
روزنامه نگار

خوشحالی عجیبش پس از قهرمانی در رقابت های جوانان جهان، اولین صحنه ای بود که از احسان حدادی در اذهان مردم نقش بست. تا پیش از او کمتر کسی می دانست پرتاب دیسک ایران هم می تواند مدال گرفتن دارد. احسان رفته رفته به یک ستاره در ورزش کم رقم ایران تبدیل شد؛ آن هم در رشته ای که بسیاری از کشورها حرفی برای گفتن در آن ندارند. کسب مدال نقره المپیک لندن او در دوران قهرمانی اش بود. این مدال تنها مدال دوومیدانی ایران در تاریخ ادوار رقابت های المپیک شد و بعید است تکرار شود.

مدال برنز مسابقات جهانی، ۴ مدال طلا و یک مدال نقره آسیایی و ۶ مدال طلای قهرمانی آسیا از احسان ورزشکاری دست نیافتنی ساخت اما هر چقدر که او به موفقیت های بیشتری می رسید حاشیه های که پیرامونش شکل می گرفت هم بیشتر می شد؛ حاشیه هایی که بخشی از آن را باید به دلیل برخی اظهارنظرها و رفتارهای غیر حرفه ای حدادی قلمداد کرد اما بر اساس یک رسم اشتباه و البته نانوخته که در ورزش کشور وجود دارد ورزشکاران موفق محکوم به این هستند که دچار حاشیه شوند.

ماجرا اعزامش به خارج از کشور برای جراحی خار پاشنه تا مدت ها سوز و گداز رسانه ها بود. او برای این عمل جراحی حدود ۲ ماه در آلمان به سر برد و در مقطعی تصمیم گرفت به تلافی انتقاداتی که از او می شود رسانه های مکتوب را تحریم کند. منتقدان هم مدام از حدادی ایراد می گرفتند و از او به عنوان نماد ورزشکار سالاری یاد می کردند. در همه این سال ها آنقدر که به حواشی حدادی پرداخته شد مدال های او بازناب نداشت. حواشی ای که نمونه بارز آن همین ماجرای خار پاشنه بود. به نظر می رسد رکورددار پرتاب دیسک آسیا قصد دارد به زودی وارد عرصه مدیریت ورزشی شود؛ مسیری که پیش از او برخی دیگر از ورزشکاران سابق کشور مثل هادی ساعی، جواد داوری، سجاد انوشیروانی و علیرضا دبیر در پیش گرفته اند. هر چند دنیای قهرمانی با فضای مدیریت فدراسیون ها زمین تا آسمان تفاوت دارد و شاید ورزش دیگری از حدادی را در این عرصه ببینیم.

می کردم و بعد هم پرتاب. فکر می کنم برای خیلی ها جالب باشد، بزودی با چاپ کتاب احسان حدادی، می خوانند و می فهمند که یک پسر سیه چرده چه جوری مدال آور المپیک شد.

با مدال نقره ها همه را سورپرایز کردی. سورپرایز نه. من خودم می دانستم مدال می گیرم، می خواستم مدال طلا بگیرم تا تنها کسی باشم که ۵ مدال طلای بازی های آسیایی را دارد و حالا هم تنها کسی هستم که ۴ مدال طلا و یک نقره دارد و پرافتخارترین ورزشکار ایران هستم.

فکر کنم تا به حال هیچ دوومیدانی کاری خداحافظی شکوهمندی نداشته است. من یادم نمی آید کسی در دوومیدانی این قدر باشکوه خداحافظی کرده باشد. ولی من خیلی خوشبخت بودم که این طوری پایان ورزشم را جشن گرفتم؛ کنار دوستانم، رقیبم، با ۸۰-۹۰ هزار تماشاگر حاضر در استادیوم. من آدم خوشبختی بودم و هستم، خواهم بود بابت این جشن.

تو نشان دادی می توانستی طلا هم بگیری، نشد؟ بعضی وقت ها یکسری مسائل اجازه نمی دهد. من می توانستم ولی متأسفانه درد کمرم باز شروع شد. من دنبال رکورد خیلی قشنگی بودم که نشد اتفاق بیفتد. اما زندگی ادامه دارد. من گفتم این پایان بازی های آسیایی ام بود. اما شانس سهمیه المپیک را دارم. چه بسا اگر تصمیم گرفتم در ورزش بمانم روی رنکنگ می توانم سهمیه المپیک بگیرم.

